

The globalization of punishment emphasis on Iran`s political society

Abstract

Today, countries, due to their political, economical and cultural relations, are trying to adjust their criminal rules to worldwide accepted criteria. To modify the criminal codes based on IRI's fourth principal's constitution, they tried to adjust the mentioned above rules with the foundations of the Islamic Sharia and On the other hand, they have tried to review and correct the criminal codes through the new criminal law foundation and human's achievements. In this regard which means respecting the Sharia foundation as well as adjusting to the modern criminal law courses due to the controversy of these two legal system's foundations, they would be faced with serious challenges. In this writin, the desceiptive-analytical method, consider the obstacles analyzed the solutions that provided by the government and professionals to be able to offer new point of view for solving the challenges and to adjust the country's rules to modern criminal law globally.

Keywords: Punishment, Globalization, Cultur imposition, Rules infli

چالش‌های جهانی شدن مجازات با تأکید بر جامعه سیاسی ایران

حدیث‌سادات حسینی^۱محسن رهامی^۲حسین هاشمی^۳محمود میرخلیلی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳/۱۱/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۱۴۰۱

چکیده

امروزه کشورها به دلیل داشتن مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در تلاشند قوانین کیفری خود را با معیارهای پذیرفته شده جهانی، هماهنگ سازند. ایران نیز در حوزه اصلاح قوانین کیفری، بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، در صدد منطبق ساختن این قوانین با مبانی شرع مقدس اسلام بوده و از طرف دیگر، سعی کرده از دستاوردهای بشری و انطباق با مبانی جدید حقوق کیفری، قوانین کیفری خود را فارغ از چالش‌های سیاسی، اصلاح و بازنگری نماید. در این راستا یعنی پابندی به مبانی شرع و انطباق با آموزه‌های حقوق کیفری مدرن، به لحاظ تبیین مبانی این دو نظام حقوقی، با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. در این نوشتار، به روش توصیفی-تحلیلی، موانع و راهکارهایی که نظام تقنینی کشور و نیز صاحب نظران ارائه کرده‌اند، مورد تحلیل قرار گرفته و دیدگاه‌های جدیدی برای حل چالش‌های پیش رو و انطباق قوانین کشور با دستاوردهای جهانی حقوق کیفری مدرن ساز قوانین ارائه شده است.

کلیدواژه: مجازات، جهانی شدن، تحمیل فرهنگ، تعارض قوانین، قاعده مصلحت.

^۱گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران hosseini.criminal.law@gmail.com

^۲گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول) rahamioffice@gmail.com

^۳گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید. hshashemi@gmail.com

^۴گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران. mirkhalili@ut.ac.ir

مقدمه

امروزه کشورها در تلاش هستند که بیش از پیش، در فرایند چند جانبه با سایر کشورهای دنیا در ارتباط باشند و این ارتباط، تمامی جنبه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. این تأثیرپذیری، موجبات تغییر و تحول جوامع انسانی را فراهم می سازد (Halliday & Osinsky, 2006, 45). به تعبیر دیگر، امروزه جامعه در حال ترقی و تحول قابل توجهی است؛ تحولی که لازمه دیده شدن در جهان امروزی بوده و چه بسا این پیشرفت می تواند با نگاه مثبت بر امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و حتی دینی-مذهبی اثرگذار باشد که از این جهت، سیر صعودی و تغییر چشمگیر و روشن جامعه می تواند نشانه استقبال از رویکرد جهانی شدن^۱ باشد.

واضح است، نزدیک شدن انسان ها به یکدیگر، نه تنها مربوط به روابط اجتماعی بلکه شکل معماری و به ویژه اقتصاد نیز جهانی شده است. بعلاوه، نه تنها اقتصاد و سیاست، بلکه منش فرهنگی ما نیز متقابلاً تحت تأثیر پروسه جهانی شدن قرار گرفته است. از یک جهت، جهانی شدن در حوزه اقتصاد، سیاست، جامعه، فرهنگ، صنعت و فناوری، موجب بین المللی شدن و فرو ریختن مرزها برای تعامل و همکاری روزافزون است. جهانی شدن در توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و رسیدن به یک وفاق بین المللی مؤثر خواهد بود. اما بشر در فرایند جهانی شدن با چالشهای سیاسی و فرهنگی مواجه خواهد شد. از نگاه آنتونی گیدنز، معنای جهانی شدن این نیست که جامعه در حال یکپارچه شدن است بلکه این پدیده در برخی ابعاد، با تفرق و شقّه شقّه شدن روبروست تا اتخاذ و یکپارچگی (سعیدی، ۱۴، ۱۳۸۵). به طوریکه در این فرایند، گاهی به جای وفاق هویتی جهانی، با تکثر فرهنگی و شاید سیاسی مواجه خواهیم شد. بعنوان مثال یکی از مهمترین دغدغه سیاستمداران ترکیه از سال ۱۹۸۷ تاکنون، پیوستن به اتحادیه اروپا با هدف تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، کاهش نرخ بیکاری و تورم و افزایش سطح زندگی مردم، ایجاد تعادل در جهت کاهش قدرت نظامیان و افزایش اعتماد سرمایه گذاران خاص است. اما بسیاری از مردم اروپا، احزاب سیاسی، گروه های غیردولتی، با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به علل عمده ای همچون وضع جغرافیایی، جمعیت زیاد، فقر و بویژه مذهب و فرهنگ خاص، مخالف بوده اند و پیوستن این کشور را بسان نابودی این اتحادیه می دانند^۲ (روزنامه شرق، ۹، ۱۳۸۶). اما این عضویت، عوامل ژئوپلیتیک اروپا را

1. Globalization

^۲. ترکیه با جمعیت بیش از ۸۰ میلیون نفری، براحتمی ترکیب جمعیتی اروپا را برهم خواهد زد؛ زیرا در شورای اروپا بسیاری از تصمیمات، بر پایه رأی است که رأی هر عضو، با توجه به آمار جمعیتی آن افزایش می یابد و با توجه به افزایش جمعیت آماری ترکیه نسبت به فرانسه، ایتالیا و اسپانیا موجب می شود که این کشور در بدو ورود، قدرتی مضاعف بر پایه آمار جمعیتی خود در اتحادیه مواجه شود. از طرفی، جامعه ترکیه با وجود اصلاحات گسترده، توان پذیرش تمامی ارزشهای غربی را ندارد و یک جامعه مسلمان سنتی، با معیارهای غربی تا حدودی بیگانه خواهد بود

دستخوش تغییر خواهد کرد و کشورهای چوَن عراق، ایران و سوریه همسایه مستقیم اروپا خواهند شد و با توجّه به اینکه ایران، سرشار از منابع نفت و گاز است، ورود ترکیه به اتحادیه می تواند موجب صدور گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه شود و این امر نه تنها برای ایران، نتایج فراوان اقتصادی به همراه خواهد داشت بلکه موجب می شود که اتحادیه اروپا به موضوع امنیّت و صلح در منطقه حساسیّت بیشتری نشان دهد.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. جامعه سیاسی

بشر از سالیان طولانی، شاهد زندگی در جامعه است؛ این نوع از زندگی جمعی بدلیل نیاز انسان به همکاری، ایجاد شده است و انسان سیاسی، بعنوان کنشگر چنین جامعه ای است. این انسان، اجزای تشکیل دهنده کلیّت بزرگی بنام جامعه سیاسی است. جامعه سیاسی در حیات انسانی، نمودار مرحله ای مترقی است که زندگی انسان را از جنبه های مختلف، تغییر داده است؛ بگونه ای که می تواند از وضع موجود به وضع مطلوب، مبنای تأثیر و تأثر بر حوزه های مختلف باشد.

۱-۲. جهانی شدن حقوق کیفری

امروزه در حوزه بین المللی حقوق کیفری، حقوق تجارت، اقتصاد و محیط زیست، تسریع در مبادله اطلاعات صورت گرفته است که به نظر می رسد یکی از دلایل همگرایی مؤثر، حمایت از ارزش ها و شعارهای مشترک جهانی است. بعنوان مثال، به موازات همگرایی جهانی، حمایت از ارزشهایی مانند حقوق بنیادین بشر در سطح تمامی جوامع ضروری است که این امر، موجب نزدیک شدن کشورها در سطح ملی و فراملی می شود. از این جهت، وابستگی سرنوشت کشورها به یکدیگر بیشتر شده و به موازات آن، در صورت حدوث مشکلاتی مثل تحریم اقتصادی، آلودگی محیط زیست، به دنبال چاره ای برای رفع مشکلات ناشی از این سرنوشت مشترک خواهند بود. در دنیای کنونی، کمتر کسی قائل به اختلافات اساسی میان آداب و رسوم اجتماعی، چارچوبهای اقتصادی و حتی سلايق مردم در سطح دنیاست. فراتر از آن شاید بتوان ادعا کرد که عادات مصرفی ابنای بشر در سراسر دنیا به سوی همگرایی در حرکت است (بابایی، ۱۱۶، ۱۳۹۰) و با توجّه به اینکه از دیرباز تأسیس هنجارها و قواعد حقوقی فراگیر و ضرورت مقررات متحدالشکل در سطح داخلی و بین المللی مورد توجّه گروه ها، مکاتب و متفکران گوناگون بوده است و امپراطوری های بزرگ، بویژه ادیان الهی که با داعیه تربیت انسان و رفع معضلات اجتماعی در

و انجام تغییرات بیش از این، موجب به خطر افتادن جایگاه اردوغان خواهد بود. لذا پذیرش چنین جامعه ای با فرهنگ و جهان بینی متفاوت، به معضلات اتحادیه اروپا خواهد افزود.

مقاطع مختلف تاریخ، در عرصه اجتماع ظهور کرده اند نوعاً قوانین و ضوابط حقوقی فراگیر و جهانی، عرضه داشته اند (لوی برول، ۱۳۱، ۱۳۸۷)، اینک پرسش آن است، آیا امروزه می توان در حوزه مجازات، با توجه به التزام ایران به مبانی شرعی با پدیده جهانی شدن و یکسان سازی در حوزه حقوق کیفری همراه شد؟ چالش های شرعی و قانونی چیست و چگونه می توان به یک راهکار مشترک جهانی دست یافت؟ اگرچه یکی از متخصصین بزرگ حقوق تطبیقی^۱ که موافق برخی از جنبه های یکسان سازی بود معتقدست که حقوق کیفری بیان یک فرهنگ است و هر شکل از جهانی سازی، غیرقابل تصور می نماید. چنانچه "قوانین باید آن چنان خاص ملّتی باشند که برای آنها وضع شده اند که تنها به طور اتّفاقی بتوانند برای یک ملّت دیگر مناسب باشند"^۲ (پرادل، ۱۶۱، ۱۳۸۳). به طوریکه اعتقادات دینی و مذهبی، سدّ راه بزرگی برای رسیدن به این هدف خواهد بود.

بر این اساس و برای روشن تر شدن موضوع، جهانی شدن مجازات، چالش های شرعی و قانونی پیش روی حقوق کیفری ایران با تأکید بر جامعه سیاسی، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۲. جهانی شدن مجازات

امروزه روابط دولتها متحوّل شده است و جمعیت کشورها به دلیل مهارت، مبادلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، در حال تغییر است. بدیهی است که جامعه در حال حرکت به سمت جهانی شدن است. بر این اساس، جهانی شدن فرایندی است که مردم جهان در یک جامعه واحد، به یکدیگر می پیوندند (توحیدی فرد، ۳۸، ۱۳۸۰). در این راستا اولین چیزی که ممکن است به ذهن آدمی متبادر شود موضوع تحمیل فرهنگ مصرف غرب و رسوخ ارزشهای سکولار و تسلّط بر یک جامعه مستقل است (دهشیری، ۶، ۱۳۸۰)؛ اما با نگاهی مثبت می توان آن را عرصه ای برای ارتقای خودآگاهی بشری دانست.

اگرچه رشد ملّی گرایی در قرن نوزدهم موجب شد هر کشوری متناسب با آداب و رسوم، فرهنگ، باورهای اجتماعی میتنی بر جامعه سیاسی، مقررات یکسانی را در داخل مرزهای ملّی، تصویب کند، اما در حوزه مجازات، با توجه به اصل سرزمینی بودن^۳ به الزامات جهانی، کمتر توجه شده است (آخوندی و جاهد، ۵، ۱۳۹۱). اما امروزه بسیاری از کشورها به دنبال اعمال مجازاتهایی هستند که در قوانین کیفری کشورهای مختلف، قابلیت اجرا داشته باشد. به نحوی که به تدریج، ماهیت مجازاتهای سنتی بدنی چون

^۱ . Guttridge

^۲ . منتسکیو

^۳ این اصل، از مهمترین و اساسی ترین اصول صلاحیتی است؛ یعنی هر دولتی که جرم در سرزمین آن (زمینی، هوایی و دریایی) واقع شده است، برای تعقیب کیفری جرم ارتكابی و مجازات مرتکب آن صالح می باشد که در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است.

شَلّاق و قطع عضو به استثنای چند کشور مسلمان، لغو شد و حتّی مجازات اعدام نیز در اتّحادیه اروپا و بسیاری از نظام های قانونگذاری دیگر، حذف گردید.

بنابراین امروزه لزوماً موضوع تصوّر تحمیل فرهنگ مصرف غرب بر جوامع مختلف در فرایند جهانی شدن مجازات، تصوّری واقعی نیست بلکه موضوع تأثیر و تأثر متقابل است. اما باید توجه داشت که همه کشورها از نظر فرهنگی و به خصوص مذهبی و شرعی، یکسان نیستند و با توجه به ارزشها و اهداف مجازات، اقدام به کیفرگذاری و نیز کیفرزدایی می کنند اما اگرچه اختلاف نظرهایی در مورد جهانی شدن مجازات وجود دارد اما امروزه جهانی شدن مجازات، بعنوان یک واقعیت مسلّم و غیرقابل انکار، در حال تکوین است.

۱-۲. ایران و جهانی شدن مجازات

مفهوم جهانی شدن برای کشورها و نظام بین المللی، معانی مختلفی به همراه دارد؛ ایران نیز با توجه به به شرایط خاص فرهنگی و سیاسی نیازمند بکارگیری یک روش خاص فکری و عملی با این مفهوم فراگیر است.

واضح است، وجوه اقتصادی و فرهنگی جهانی، نسبت به وجوه سیاسی، بر کشورهای در حال توسعه اثر خواهد گذاشت و مبانی قانون اساسی، هویت نظام سیاسی و تجربیات منفی تاریخی ایران با غرب، محدودیت های بسیاری در پذیرش وجوه فرهنگی و سیاسی جهانی شدن پیش روی ایران می گذارد؛ زیرا ورود به دهکده جهانی زمانی امکان پذیر است که جوامع از نظر حاکمیت (سیاسی)، فرهنگ، آداب، مذهب، ارزش های اجتماعی و حتّی وضعیّت اقتصادی به یکدیگر نزدیک باشند. حال سؤال این است اگرچه جهانی شدن مجازات، به دلیل توسعه روابط بین المللی میان کشورها یک ضرورت است رویکرد ایران در زمینه جهانی شدن مجازات چیست؟

۲-۲. رویکرد حقوقی ایران در زمینه جهانی شدن مجازات

فرایند جهانی شدن مجازات، مبتنی بر انتقال برخی ارزشها است. ارزش هایی که مورد قبول یک جامعه بوده و توانایی تسرّی و گسترش در جامعه ای دیگر را دارد. بنابراین ابتدا باید این ارزش ها مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرد. از طرفی، فقدان همکاری سیاسی بین دولتها و نیز فقدان وفاق دینی، یکی از عوامل عدم مؤقّیّت در این زمینه است. چه بسا اینکه قوانین کیفری کشورهای مختلف، در بسیاری از موارد با توجه به حاکمیت دولتها متفاوت از یکدیگر است و زمان آن رسیده که قانونگذاران کشورها از منظر واکنش کیفری در سطح جهان به راهکاری مناسب برای رفع تفاوتها دست یابند. بر این اساس، به نظر می

رسد، یکی از لوازم پیوستن به دهکده جهانی، اصلاح تمام یا بخشی از حقوق کیفری است؛ بطور مثال، تا قبل از سال ۲۰۰۴ میلادی، مجازات اعدام در کشور ترکیه به رسمیت شناخته می شد اما در آن سال، ترکیه با هدف پیوستن به اتحادیه اروپا مجازات اعدام را لغو کرد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶، ۱).

از طرفی، یکی از اهداف ترکیه برای پیوستن به این اتحادیه رفع بحران اقتصادی است و مصلحت بر این بود که برای رفع مشکلات اقتصادی، اقدام به لغو مجازات اعدام نمایند. از این منظر، در رویکرد جهانی شدن مجازات، به تبع توسعه روابط میان دولت ها باید به اعتقادات مذهبی و ارزش های فرهنگی و سیاسی جوامع توجه داشت؛ تفاوت های ناشی از مذهب، سنت، فرهنگ و بویژه حقوق اساسی کشورهای چون ایران، می تولد چالشی جدی در این زمینه ایجاد کند و اینجاست که با تعارض حقوق کیفری مواجه خواهیم شد؛ زیرا این امر مستلزم تصویب قواعد کیفری واحد و به تبع آن، التزام به رعایت این قواعد است که از این منظر، چندان موفقیت آمیز نخواهد بود^۱. بخصوص آنکه در سال های اولیه پس از پیروزی انقلاب، تلاش بر وضع قوانین کیفری شرعی بود و به مجازات های عرفی توجه کمتری می شد و گرایش عمده نیز به سمت مجازات های بدنی و شلاق بود؛ بطوری که در لایحه قانونی تعزیرات که در سال ۱۳۶۲ توسط شورای عالی قضایی سابق، تهیه شد در تعیین مجازاتها غالباً بر شلاق، تأکید و یا در کنار مجازات شلاق به مجازات حبس نیز تأکید داشتند. با بررسی این لایحه به این موضوع می توان دست یافت که بسیاری از مجازاتهای شلاق مندرج در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ لغو شده است و حتی اگر به صورت کامل نیز لغو نشد، حداقل در کنار آن، مجازاتهای موازی مانند زندان و جزای نقدی نیز تصویب شد؛ مانند مواد ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۹۷، ۶۹۸ و ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (بخش تعزیرات) در خصوص توهین ساده یا عادی، توهین مشدد، افترا قولی یا گفتاری، نشر اکاذیب و افترای عملی. همچنین تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نیز گامی مثبت، در جهت تأیید تحول ارزشها در مجازات و در نتیجه، استقبال شایسته تر برای ورود به جامعه جهانی با توجه به موانع شرعی و قانونی است. بنابراین زمان آن رسیده است که قانونگذاری کشورها از منظر واکنش کیفری در سطح جهان به راهکاری مناسب برای رفع چالش های پیش رو دست یابند.

در ادامه، مباحثی ارائه خواهد شد که نه تنها به بخشی از چالش های پیش رو جامعه اسلامی به ویژه ایران، برای پیوستن به جامعه جهانی اشاره دارد بلکه نشانه هایی از تلاش ایران با هدف نزدیک شدن به جامعه جهانی خواهد بود.

^۱. نکته آن است که در فرایند جهانی شدن باید به اعتقادات مذهبی و ارزش های فرهنگی جوامع توجه شود.

اصل چهارم قانون اساسی: "کلیه قوانین مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد".

از همان سال‌های اولیه استقرار جمهوری اسلامی ایران و با تغییر قوانین جزایی، شدت مجازات‌ها و به خصوص کیفر بدنی، مسئله نقض حقوق بشر در ایران مطرح شد و تلاش زیادی صورت پذیرفت که چهره ایران در انظار جهانیان، مخدوش جلوه داده شود (مهرپور، ۱۹۸، ۱۳۷۴) که از این جهت، ایران از سوی مجامع مختلف بین‌المللی، به اتهام نقض حقوق بشر بطور مداوم محکوم گشت.^۱ اما به نظر می‌رسد هیچ مرجعی نمی‌تواند مدعی عدم تعامل قوانین ایران با نظام حقوق بشری در راستای جهانی سازی مجازات باشد؛ چرا که با بررسی قوانین ایران می‌توان به مجازات‌هایی رسید که نسبت به قوانین گذشته، مؤید تلاش ایران در جهت نزدیک شدن به مقوله جهانی شدن مجازات است.

از جهتی، نظام‌های اقتصادی متفاوت، اعتقادات دینی و مذاهب مختلف و حتی حاکمیت سیاسی کشورها می‌توانند مانع بزرگی بر سر راه کشورهای اسلامی برای وفاق بین‌المللی باشند. بطور مثال، در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ تنها مجازات بدنی، اعدام بود و در سال ۱۳۵۲ نیز شلاق به کلی حذف شد و تنها در خصوص اطفال شرور قابلیت اعمال داشت و بجای مجازات‌های بدنی، حبس‌های کوتاه مدت جاری بود (امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ۱۴، ۱۳۹۰). گویی علت حذف، مخالف دنیا با یکچنین مجازات‌ها است؛ چرا که طبق قوانین حقوق بشری بین‌المللی، به خصوص کنوانسیون منع شکنجه، مجازات‌های تحقیرآمیز و نیز مجازات شلاق ممنوع است.^۲ با تصویب ۱۴۷ کشور در سازمان ملل متحد مبنی بر ممنوعیت شلاق، معیارهای جهانی بعنوان یک ارزش معرفی می‌شود که اینگونه ارزش‌ها بعد از تصویب لایحه جهانی حقوق بشر ایجاد شد. بعبارت دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، بعنوان یک پیمان بین‌المللی در سال ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسید و بعد از آن، کشورهای عضو سازمان ملل متحد به این اعلامیه پیوستند. اما بعد از انقلاب، ایران همچنان مصرانه بر اجرای مجازات شلاق بویژه در جرایم حدی متمرکز شده است که این امر می‌تواند موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به حقوق کیفری عدالتخواه شود.

علاوه بر آن، اگرچه در روایات مربوط به تعزیرات، معمولاً از ضرب و تازیانه سخن به میان آمده است و برخی فقها به همین علت، تعزیر به غیر از ضرب و تازیانه به مجرم را جایز نمی‌دانستند و سایر مجازات‌ها

۱. از نگاه بین‌المللی، یکی از موضوعاتی که حقوق بشر، نگاهی انتقادآمیز به آن داشته، موضوع خشونت در مجازات است؛ به طوری که در اسناد و قطعنامه‌های بسیاری مورد توجه قرار گرفته و در برخی موارد، در قالب اسناد بین‌المللی، به ممنوعیت اعمال این نوع از مجازات‌ها اشاره شده است. حتی در بعضی از اسناد بین‌المللی، به منع شکنجه و رفتارهای خلاف شئون انسانی و به نوعی غیرانسانی تصریح کرده است که کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بیرحمانه و غیرانسانی، نمونه‌ی بارزی از آن است.

۲. به جز ایران، مجازات شلاق در برخی کشورهای اسلامی، نظیر عربستان سعودی و نیز مناطق تحت سیطره گروه‌های اسلام‌گرا مانند داعش و طالبان، اجرا می‌شود.

مانند جریمه نقدی، حبس و دیگر ضمانت اجرای کیفری را تعزیر شرعی محسوب نمی‌کنند (رهامی، ۱۸، ۱۳۸۲) اما برخی از فقها نظیر شیخ طوسی، هرچند در موارد متعدّد، تعزیر را در معنای تازیه استعمال نموده است، لکن بنابر نظر ایشان، قاضی در صورت صلاحدید می‌تواند تعزیر را با تأدیب جایگزین کند (شایق، ۸۸، ۱۳۹۷). بدیهی است با یکچنین دیدگاهی، اگرچه در خصوص مجازاتهای حدی، به دلیل پابندی ایران به احکام شرعی، امکان جهانی سازی مجازات‌ها وجود ندارد اما در خصوص جرایم تعزیری به نظر می‌رسد مانعی برای این امر نیست و کیفرگذاری و نه مشابه و یکسان بلکه حداقل هماهنگ و نزدیک به یکدیگر^۱، موجب نزدیک شدن و وفاق بین دولتها می‌شود که در این رابطه از نگاه دلماس مارتی، هماهنگ سازی به عنوان یک فرایند نزدیک سازی پیرامون اصول راهبردی مشترک برای تطابق سیستم های ملی ضروری است (مارتی، ۳۱۱، ۱۳۸۶). با تکیه بر این دیدگاه می‌توان ادعا کرد هماهنگ سازی در حوزه کیفری کشورهای مختلف دنیا چندان غیرممکن نخواهد بود و با رعایت ضوابط و مقررات خاص و احترام به قانون اساسی کشورها امکانپذیر خواهد بود. به تعبیر دیگر، در این زمینه باید به سراغ اصول و قواعدی رفت که از سوی عموم جامعه جهانی، مورد پذیرش قرار گیرد. حتی در بسیاری از کشورها مانند فرانسه به اصل سودمندی مجازات نیز تأکید شده است؛ بطوری که طبق ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر فرانسه، "قانون جزا کیفرهایی را که مسلماً و بی‌کم و کاست، ضروری نیست مقرر نخواهد کرد". اگرچه نمی‌توان منکر تأثیر فشارهای سیاسی بر تحوّل بعضی از مجازات‌ها شد اما سؤال این است که آیا فشارهای سیاسی وارد بر حکومت و جامعه سیاسی می‌تواند یکی از دلایل عدم اجرای بعضی از مجازاتها مانند حدّ رجم بنا بر مصلحت نگری رئیس قوه قضائیه و یا شلّاق به عنوان یک مجازات بدنی طاقت فرسا شود؟

بعضی از نوآوری های جدید قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ حکایت از آن دارد که قانونگذار به این نتیجه رسیده، که اجرای برخی از مجازاتها مانند رجم و قصاص (عضو) به مصلحت کشورهای اسلامی نیست و وجود یکچنین مجازاتهایی همواره نقش زیادی در بدبین کردن مردم ایران و جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان نسبت به احکام دینی خواهد داشت^۲ و به اقتضای مصلحت و نظام فرهنگی حاکم، این نوع از مجازاتها تعطیل و یا کیفرهای دیگری را جایگزین آن ساخت. از این جهت، هنگامی که اجرای این نوع از مجازاتها از جنبه های مختلف با مشکلاتی مواجه شد، امام خمینی (ره) با ارائه دیدگاه‌ها و آراء جدید، اعمال هر تنبیهی که به نظر برسد موجب تنبّه مجرمان و خودداری از ارتکاب جرایم گردد بعنوان تعزیر، مجاز دانست و با طرح مجازاتهای بازدارنده در جرایمی که جنبه عمومی دارند در کنار تعزیرات شرعی که در واقع توسعه مجازاتهای تعزیری حکومت اسلامی بود باب جدیدی را در وضع مجازاتهای مختلف که در آراء فقهای امامیه بی سابقه است، گشود (مهرپور، ۲۴، ۱۳۷۲). چه بسا اینکه تدابیر بازدارنده و حتی تعزیری می‌تواند در نتیجه تغییر نظام فرهنگی حاکم بر جامعه باشد و بعید نیست که بپذیریم نظام فرهنگی

^۱ هماهنگ سازی حقوق کیفری

^۲ چرا که امکان اجرای قصاص عضو به جهت حفظ کرامت انسانی حتی مرتکب جرم، عملاً وجود ندارد.

حاکم بر جامعه می‌تولند بر مجازات‌های حدی نیز اثر گذاشته و موجبات تحوّل و حتّی تعطیلی آن بر مبنای قاعده مصلحت شود.

بنابراین از منظر بین‌المللی حقوق بشر، مجازات‌های بدنی، چندان مورد پذیرش نیست و با توجّه به تکدیر کرامت انسانی، به نوعی خواستار حذف مجازات‌های بدنی و برخی جرم‌انگاری‌ها بوده‌اند^۱ که این امر، گامی در جهت جهانی شدن مجازات، حذف مجازات‌های خشن از قوانین بسیاری از کشورهای دنیا است. از جهتی، اگرچه تحوّل ارزش‌های اخلاقی-مذهبی و نیز فرهنگی به نسبت می‌توانند در تحوّل مجازات مؤثر باشند اما به نظر می‌رسد که عدم اجرای یکچنین مجازات‌هایی علیرغم وجود دیدگاه‌های مخالف، چندان ارتباطی با پروتکل‌ها و فشارهای سیاسی حاکم بر جامعه نخواهد داشت.

نمونه دیگر، اجرا یا تعطیلی حدود شرعی در زمان غیبت امام معصوم (ع) است؛ در این خصوص برخی از فقها^۲ قول جواز را برگزیدند اما گروهی از فقها^۳ معتقدند که در عصر غیبت امام معصوم (ع)، اجرای حدود الهی جایز نیست^۴؛ زیرا اجرای آن اختصاص به امام معصوم دارد و فقیه نمی‌تولند به لاقاه آن اقدام کند (آهنگران و مسعودیان، ۱۵۹، ۱۳۸۸-۱۵۱). از این جهت، اختلاف نظرهای موجود می‌تواند مانعی بر سر راه حقوق کیفری با هدف جهانی شدن باشد و چاره‌ای جز توسّل به قاعده مصلحت‌اندیشی نخواهد بود. این امر، مقدمه‌ای برای توقّف در اجرای مجازات‌هایی است که می‌تواند موجب انزجار مردم از دین اسلام بعنوان یک دین کامل و رؤف باشد که به نظر می‌رسد موادّ ۲۲۵ (در خصوص مجازات زنا) محصن و محصنه) و ۱۲۰ (قاعده درأ) قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ با یکچنین رویکردی قانونگذاری شده است.

بدیهی است، امروزه نگاه جوامع نسبت به جرایم و مجازات‌ها متحوّل شده است که خود نشأت گرفته از نقش و جایگاه انسان در جامعه با حفظ کرامت اوست. هر جامعه‌ای در اعصار مختلف، شاهد مسائل جدید و گسترده‌ای است که تمامی ابعاد زندگی اعم از اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. از طرفی، مصلحت فرد و جامعه نیز اقتضا می‌کند رفتارهایی نظیر روابط نامشروع دون زنا، جرم تلقّی نشده و مرتکبین آن، تحت تعقیب، محاکمه و مجازات قرار نگیرند؛ بطور نمونه، محکوم کردن دختر و پسری که بدون علّقه زوجیت در اماکن عمومی ظاهر می‌شوند، هیچ عایدی جز برچسب زنی، آسیب‌های روحی و روانی و تهدید خلوت افراد بیگناه، نخواهد داشت. این برداشت به نوعی، مطابق

۱. مانند مادّه ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوّب ۱۹۶۶ که اعلام میدارد: "هیچکس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترزیلی قرار داد ...".

۲. علامه حلّی، شهید ثانی، آیت الله خویی، مرحوم صاحب جواهر و مرحوم فیض کاشانی

۳. ابن ادریس، ابن زهره، محقق حلّی و حاج سید احمد خوانساری

۴. عبارتی، باید بجای حد، تعزیر اعمال گردد و این یعنی عرفی شدن فقه کیفری، که حقوق کیفری ایران را به نظام جهانی شدن، نزدیکتر خواهد کرد.

با نظر برخی از فقها^۱ است که معتقدند "مجلس قانونگذاری، با اذن امام معصومین و حکومت اسلامی می‌تواند طبق مقتضیات زمان، مصالح جامعه و اسلام، مجازاتهای تعزیری را با سایر مجازاتها یا راهکارهای اصلاحی و تربیتی، تبدیل یا جایگزین نماید" (نجف آبادی و آیتی، ۱۳۹۵، ۹۵). این امر به نوبه خود می‌تواند الهام بخش این ایده باشد که امروزه مجازاتهای غیر انسانی و سخت، به نسبت از ساحت جامعه انسانی رخت پرسته اند.

از جهتی کشورها نمی‌توانند بدون توجه به بازتاب جامعه جهانی به اجرای سیاستهای خود پردازند؛ چرا که در کنار مصالح ملی، مصالح و واقعیتی به نام مصالح بین‌المللی شکل گرفته است. برای جهانی شدن کیفی، صرف استناد به فقه و شرع کافی نیست و مصالح بین‌المللی نیز جزء مصالح اسلام است و فقیه در استناد به فتاوی خود نباید این موضوع را نادیده بگیرد. در اینجا حکومت اسلامی با دوگانگی اصرار بر نصوص شرعی و نیز حفظ موجودیت بین‌المللی مواجه می‌شود. باید توجه داشت که عدم توجه به مقررات حقوق بشری، موجب در انزوا قرار گرفتن جامعه اسلامی می‌شود. بنابراین مجازاتها باید اصلاح و یا تعدیل گردند تا بتوان به عنوان یک ضرورت، خود را با جامعه جهانی همسو کرد. اگرچه جامعه آگاه است و می‌داند قوانین نباید خلاف شرع و قانون اساسی باشد و مجمع تشخیص مصلحت نظام، وظیفه ارزیابی این موضوع را با هدف "تشخیص مصلحت" دارد^۲.

به نظر می‌رسد، برای جهانی شدن، گاهی باید از محدودیت‌های شرعی و قانونی عبور کرد تا بتوان به معیارهای جهانی نزدیک شد. بدیهی است تبدیل مجازاتهای حدی به تعزیری، با توجه به مقتضیات زمان، تغییر فرهنگ جامعه و تبادل و تعامل اقتصادی و سیاسی با کشورهای مختلف، یکی از راهکارهای مناسب برای جهانی شدن مجازات است. بعنوان مثال، در موضوع جرایم بدون بزه دیده، رفتار انسان، هنگامی باید جرم تلقی شود و برای آن مجازات تعیین گردد که آن رفتار، دربردارنده ضرری به غیر باشد و چنانچه رفتاری، هیچگونه صدمه‌ای به جسم، مال یا آزادی دیگران وارد نکند، نباید جرم تلقی و مجازات گردد^۳.

۳. گامی کوتاه، به سوی جهانی شدن مجازات

هیچ مرجعی نمی‌تواند مدعی عدم تعامل قوانین اسلامی ایران با نظام حقوق بشری در راستای جهانی سازی مجازات باشد. با بررسی قوانین کیفری ایران، می‌توان به مجازاتها و تحولاتی رسید که مؤید تلاش

^۱.مانند میرزای قمی

^۲.اصل ۱۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۳. موضوعی که عزت عبدالفتاح، جرم شناس کانادایی نیز به آن اشاره کرده است (عبدالفتاح، ۱۵۶، ۱۳۸۱).

ایران در جهت نزدیک شدن به مقوله جهانی شدن است؛^۱ بعنوان نمونه، بعضی از نوآوری های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حکایت از آن دارد که اجرای برخی از مجازاتها مانند رجم و قصاص (عضو) به مصلحت اسلام نیست و وجود یکنچنین مجازاتهایی، در بدبین کردن مردم ایران و جهان، نسبت به احکام دینی، نقش خواهد داشت^۲ و به اقتضای مصلحت و نظام فرهنگی، این نوع از مجازاتها، تعطیل و یا کیفرهای دیگری را جایگزین آن ساخت (مهرپور، ۲۴، ۱۳۷۴). در این راستا، امام خمینی (ره) با استناد به "قاعده مصلحت" می فرماید: "حاکم می تواند مساجد را در صورت لزوم، تعطیل کند" (خمینی، ۱۳۸۶، ۴۵۱-۴۵۲). مطابق این قاعده، در صورتی که حاکم اسلامی در شرایطی خاص، اجرای مجازات رجم را برخلاف مصلحت جامعه اسلامی بداند، می تواند آن مجازات را به مجازات دیگر تبدیل کند (اسحاقی و همکاران، ۵۳، ۱۳۹۴). در این رویکرد می توان قائل به اقتضای مصلحت با هدف منع کیفرگذاری های بی مورد و تأیید تمایل ایران برای پیوستن به جامعه جهانی شد. نمونه دیگر، اعتقاد در اجرا یا تعطیلی حدود شرعی در زمان غیبت امام معصوم (ع) است؛ زیرا اجرای آن، اختصاص به امام معصوم دارد و فقیه نمی تولد به اقامه آن اقدام کند (آهنگران و مسعودیان، ۱۳۸۸، ۱۵۱). این امر، مقدمه ای برای توقف در اجرای مجازاتهایی است که می تواند موجب انزجار مردم از دین اسلام باشد و شایسته است تا زمانی که افراد، نسبت به آن توجیه نشوند، اجرای آن موقتاً متوقف گردد و یا به مجازاتهای تعزیری تبدیل شود.. اما برای جهانی شدن در سطح گسترده، باید به یک وفاق بین المللی در کل جهان هستی دست یافت و صرف هماهنگ سازی مجازات در بعضی از کشورها به منزله جهانی شدن مجازات نخواهد بود. در این راستا یک گروه از اساتید عضو پیوسته مؤسسه حقوق بین الملل ماکس پلانک آلمان با ریاست پروفیسور هانس یورگ آلبرشت، درصدد اعمال تدابیری، با هدف جهانی سازی مجازات هستند و پیشنهاد این گروه، "ارائه مدل پنال کد یا مدل کد کیفری"^۳، بعنوان یک طرح مناسب با هدف نزدیک سازی قوانین کیفری کشورها و اعمال مجازات هماهنگ در موارد مشابه خواهد بود که هدف، صرفاً یک یا چند کشور نیست بلکه تلاش، برای نزدیک شدن قوانین کیفری کشورها و حتی تعدیل و حذف بسیاری از مجازاتها است؛ بطور نمونه، طرح این مدل می تواند مقدمه ای برای نزدیک نمودن تعریف جرایم و شرایط ارتکاب جرم، حبس زدایی و اعمال جایگزین های حبس، حذف شلاق و جایگزینی جزای نقدی بجای مجازاتهای بدنی و محدودکننده آزادی و تعدیل مجازاتها باشد^۴ که تمرکز اصلی بر نزدیک نمودن پایه های مجازات در قوانین کیفری کشورها است و تردیدی نیست که به مرور زمان، کشورهای دنیا از این مدل، برای اصلاح و نزدیک نمودن

۱. تصویب قوانین جدید در خصوص جرایم تعزیری، قصاصی و حتی حدی در برخی موارد، مثبت این ادعا است و بی تردید، اشکالی بر آن وارد نیست.

۲. چرا که امکان اجرای قصاص عضو به جهت حفظ کرامت انسانی حتی مرتکب جرم، عملاً وجود ندارد.

۳. Model Penal (Criminal) Code (MPC or MCC)

۴. اگرچه نمی توان در جرایم سنگین و مخاطره آمیز، قائل به این موضوع بود و مدارای صفر می تواند تنها راهکار، برای کاهش این نوع از جرایم باشد.

قوانین کیفری، الگوبرداری خواهند کرد. چه بسا این مدل پنال کد می تولند یک راهکار مناسب برای جهانی سازی مجازات و بطور قطع، ایجاد صلح در کل جهان هستی باشد. بنابراین این کدها می توانند برای فعالان، در اصلاح و بازنگری قوانین کیفری داخلی مفید باشند؛ بعنوان مثال، در موقعیت پَساجنگ، فعالان از طریق این مدل کدها به بررسی چارچوب حقوق کیفری و تعریف قوانین کیفری جدید می پردازند و ابزار جدیدی را برای به روز رسانی قوانین کیفری موجود با هدف جایگزینی مقرراتی که با استانداردهای بین المللی حقوق بشر مطابقت ندارد، ارائه می دهند (O'connor and coworkers, 2007, 11). از این جهت، اگرچه کشورهای مختلف، دارای فرهنگ، مذهب و طرز تفکر سیاسی متفاوتی از یکدیگر هستند اما ضرورت احترام به حیثیت و کرامت انسانها در اجرای مجازات و نیاز همه انسانها به یک سطح حداقلی از حقوق اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تأمین آن می تواند توجیه کننده نیاز به حقوق کیفری مشترک در زمینه مجازات باشد. چه بسا اینکه مجازات، تابعی از حاکمیت یک کشور است و تغییر حاکمیت یک کشور از منظر سیاسی، اقتصادی و بویژه فرهنگی و اجتماعی می تواند موجب تغییر در حقوق کیفری یک کشور شود و به تبع آن، هماهنگی و نزدیک شدن کشورها از نظر کیفری و رعایت چارچوب های از پیش تعیین شده، نیز می تواند در اعمال مجازات پیشگیرانه و نه سرکوبگرانه، مؤثر واقع گردد.

نتیجه

بدیهی است مواجهه رویکرد جهانی سازی مجازات با واژه "دین و مذهب" چالش برانگیز خواهد بود و تا زمانی که مشکلات ناشی از تعارض های فرهنگی و دینی حل نشود، جهانی سازی مجازات، امری ناممکن خواهد بود. شاید بتوان به یک وفاق بین المللی در حوزه هماهنگ سازی مجازات دست یافت اما این امر، به تنهایی به معنای جهانی شدن مجازات نیست و ارائه "مدل کد کیفری" بعنوان یک الگو می تواند یک ابزار مناسب، برای نزدیک شدن قوانین کیفری کشورها باشد؛ اما این که تا چه میزانی می تواند قابلیت اعمال داشته باشد، موضوعی بس قابل تأمل خواهد بود.

در نهایت با توجه به پیامدهای مثبت هماهنگ سازی مجازات، شایسته است پژوهش های اختصاصی در مورد بررسی آموزه های دینی و قوانین اساسی کشورها صورت پذیرد تا امکان اتخاذ راهکارهای مناسب برای اجرای عادلانه قوانین کیفری جهانی مهیا شود. امید است جامعه سیاسی ایران، با کمک نظریات علمی صاحبان اندیشه در حوزه حقوق کیفری و سایر علوم جنایی، بیش از پیش، شاهد وضع قوانین کیفری نوین با هدف نزدیک نمودن مفاهیم، تعاریف جزایی و مجازاتها، تعیین ضمانت اجراهای متناسب با مصلحت جامعه و بویژه حذف کامل مجازاتهای بدنی باشد.

فهرست منابع

- آخوندی، محمود و محمدعلی جاهد (۱۳۹۱). "حقوق جهانی (از تئوری تا عمل) با تأکید بر جهانی شدن حقوق بشر"، فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، شماره ۳۶، صص ۲۶-۱.
- آهنگران، رسول، مصطفی مسعودیان (۱۳۸۸). "اجرای حدود در عصر غیبت، مبانی و چالش‌ها"، مجله حقوق خصوصی دانشگاه تهران، دوره ششم، شماره ۱۴، صص ۱۶۶-۱۴۹.
- اسحاقی، محمد، سید محمدرضا امام و مصطفی مسعودیان (۱۳۹۴). "اختیار حاکم اسلامی در تبدیل مجازات رجم، با نگاهی به نظرهای شورای نگهبان"، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال چهارم، شماره دوازده، صص ۶۴-۴۷.
- امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی (۱۳۹۰). تأملی بر مجازات‌های بدنی از منظر فقه، قانون و موازین بین‌المللی، گزارش علمی، شماره ۱، ۲۷-۱.
- پرادل، ژان (۱۳۸۳)، "به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری". ترجمه محمد مهدی ساقیان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۱۷۹-۱۵۹.
- توحیدی فرد، محمد (۱۳۸۰). "فرایند جهانی شدن حقوق کیفری". نشریه مدرّس علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۸-۳۷.
- حق طلب، علی اصغر، جلال جعفری، علی یوسف وند، رضوان خسروی و علی مهدی فرد (۱۳۹۶). "تحولات مجازات‌های بدنی در سیاست کیفری ایران، بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشری"، فصلنامه علوم اجتماعی (ویژه نامه پیشگیری از جرم و حقوق)، دوره ۱۱، صص ۳۳۱-۳۱۵.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶). صحیفه امام، جلد بیستم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰). "ایران و جهانی شدن، تهدیدها و فرصت‌ها"، فصلنامه مصباح، شماره ۳۷، صص ۱۷-۵.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۱). "تأثیرات عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا"، روزنامه شرق، شماره ۸۹۸، ص ۹.

سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۵). "روندپژوهی گفتمان های جهانی شدن"، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۹، شماره ۴، صص ۲۱-۱۰.

لوی برول، هانری (۱۳۸۷). جامعه شناسی حقوق، چاپ دهم، ترجمه سید ابوالفضل شریعت پناهی، تهران: انتشارات میزان.

مارتی، می ری دلماس (۱۳۸۶). "دیوان کیفری بین المللی و میانگنش های حقوق داخلی و بین المللی"، ترجمه روح الدین کردعلیوند، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی-بین المللی معاونت حقوقی ریاست جمهوری، شماره ۳۷، صص ۳۱۲-۲۹۷.

مهرپور، حسین (۱۳۷۴). حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ یکم، تهران، انتشارات اطلاعات.

Halliday, T.C and Pavel Osinsky(2006). Globalization of Law, Annual Review of Sociology, Vol.32., First Published, Northwestern University-Department of Sociology, Online.

O'Connor, V and Rausch Colette with Hans-Joerg Albrecht and Goran Klemencic(2007). Model Codes for Post-Conflict Criminal Justice: Model Criminal Code, Vol.1, United States Institute of Peace Press: Washington, D.C.